

## آزادی ( اکتوبر ۲۰۰۱ )

باغی که حاصل نداشت گلخن از آن به  
 بالی که پرواز نداشت شکستن از آن به  
 دوستی که جاهل باشد دشمن از آن به  
 آزادی نداشت زندگی مردن از آن به

\*\*\*

## اهدا به ( بوش ) ( نومبر ۲۰۰۱ )

ای عقل تو ناقص رهنمای تو جنون  
 آرزوی دیگر نداری جز ریختن خون  
 شادی که غنیمتی آورده ای به چنگ  
 چو خرس قطبی ترا هم می رانیم بیرون

\*\*\*

## تنهائی ( .../.../۲۰۰۶ )

این شب مگر سر انجام سحر دارد  
 گوشه تنهائی رنج و غم در بردارد  
 افسرده شده دلم به تنگنای قفس  
 میل رهائی زین قفس دگر دارد

\*\*\*

## غبار اندوه ( ... ۲۰۰۶ )

چشمم به انتظار سحر از دید ماند  
 مایوسی ز بس رخداد امید نا امید ماند  
 غبار اندوه پوشانده آسمان دلم  
 شبم بی ماه و روزم بی خورشید ماند

\*\*\*

## روز تلخ ( .... ۲۰۰۶ )

روزی ز تلخی زندگی لب به سخن باز کنم  
 قصه ای درد دوری تو ای وطن آغاز کنم  
 ز کجای قصه ای سرگردا نیم گویم دوستان  
 شب کوتاهست چرا قصه را دراز کنم

\*\*\*